

داستان‌های قرآنی روحیهٔ کودکان و نوجوانان را تلطیف می‌کند

پای صحبت محمود حکیمی، نویسندهٔ پیشکسوت کودک و نوجوان

با توجه به اهمیت توسعهٔ ادبیات قرآنی بین کودکان و نوجوانان پای صحبت محمود حکیمی، یکی از نویسندگان موفق و فعال حوزهٔ ادبیات کودکان و نوجوانان نشستیم.

محمود حکیمی معتقد است اصولاً آیات الهی و آموزه‌های دینی تأثیراتی شگفت بر روح کودکان و نوجوانان دارد. معلمی که، در ساعات مخصوص، در مدرسه برای کودکان و نوجوانان مباحث دینی را مطرح نموده و گاه قصه‌های مذهبی می‌گوید، بیش از دیگر معلمان در رشد معنوی آنان نقش دارد. حکیمی، یکی از پرکارترین نویسندگان کتاب کودک و نوجوان است. سابقهٔ ۵۰ سال تدریس در آموزش و پرورش و مراکز تربیت‌معلم را نیز در کارنامهٔ خود دارد و آثار بسیاری در زمینه‌های گوناگون تألیف، ترجمه و تدوین کرده است.

رو داشته باشند و آن‌ها را بسنجند و سپس یکی را برگزینند در این صورت کار از روی اختیار صورت گرفته است. امامان شیعه و ائمه اطهار (ع) در واقع پیام‌آور آزادی و حریت انسان بودند. اعتقاد به جبر، اندیشه‌ای جاهلی است و برداشت نادرست از مفهوم قضا و قدر از انسان موجودی می‌سازد که هیچ‌گونه اراده و اختیاری از خود ندارد. با مطالعهٔ آثار افراد بزرگی چون شیخ صدوق در گذشته و آیت‌الله مطهری، آیت‌الله جعفر سبحانی در زمان ما، مسئله جبر و اختیار دغدغهٔ ذهنی بنده شد و بر آن شدم در این زمینه، کتابی به تألیف درآورم.

مخاطبان کتاب «فرصتی برای انتخاب» چه کسانی هستند؟ و این کتاب چه نیازی از آن‌ها را برآورده می‌کند؟

بیشتر دانش‌آموزان پیوسته در تکاپو و جست‌وجو هستند و پرسش‌های تازه‌ای به ذهن آن‌ها خطور می‌کند. طرح بحث جالب و پرهیجان «جبر و اختیار» از مباحثی است که موجب شکوفا شدن خلاقیت دانش‌آموزان می‌گردد. جبر و اختیار یک موضوع عقیدتی است و هر کسی باید بداند که در زندگی، مختار یا مجبور است. دانستن این موضوع موجب می‌شود که

آقای حکیمی، جناب عالی کتاب‌های زیادی تألیف کرده‌اید، و اخیراً یکی از آثار شما به نام «فرصتی برای انتخاب» در زمینهٔ قضا و قدر مورد توجه داوران جشنوارهٔ قرآنی قرار گرفته است. ضمن عرض تبریک به شما، بفرمایید این مسئله‌شناسی موضوعی از کجا نشئت یافت و ایدهٔ پرداختن به این موضوع چگونه شکل گرفت؟

آنچه باعث تألیف این کتاب شد علاقهٔ بنده به تاریخ، علی‌الخصوص تاریخ تمدن اسلام و مطالعه و نگارش در این زمینه می‌باشد. من ضمن مطالعه و تحقیق خود متوجه شدم که اندیشهٔ جبرگرایی در برخی از دوران‌ها وسیله‌ای بود برای خودکامگان ظالم تاریخ که اعمال ناشایست خود را به قضا و قدر و مشیت الهی نسبت بدهند. جبرگرایی، به‌خصوص در حکومت اموی‌ها بیش از هر چیز دیگر ترویج پیدا کرد. حاکمان بنی‌امیه ادعا می‌کردند که خلافت آن‌ها قضا و قدر الهی است و بندگان اختیاری ندارند و در این راستا حدیث‌سازانی را وادار می‌کردند احادیثی در تأیید جبرگرایی بسازند. از طرف دیگر در اسلام راستین، یعنی تشیع، مردم بر این باورند که هر جا انسان‌ها، گروه‌ها و جوامع در انجام کار راه‌های متعددی را پیش



و دانش‌آموزان از دید و نظر نوجوانان صورت گرفته است و در بخش‌های گوناگون مفاهیم جبر و اختیار در طول تاریخ اسلام، حکومت حاکمان، مسئله هدایت و جبر و اختیار در آثار ادبی و کتاب‌های تاریخی با استفاده از آیات قرآن کریم با زبانی ساده و روان مطرح شده‌اند. در آثار ادبی سخن از جبر و اختیار تنها در شعر برخی از شاعران به چشم نمی‌خورد؛ نگاهی به کتاب‌های ادبی نشان می‌دهد که گاه حتی حکایت‌نویسان جبرگرا نیز اندیشه جبرگرایانه خود را در حکایت‌های کوتاه و طولانی منعکس ساخته‌اند. از میان شاعران ناصر خسرو قبادیانی و جلال‌الدین محمد مولوی بیش از شاعران دیگر از اختیار انسان سخن گفته‌اند.

به‌عنوان نویسنده‌ای که آثاری در زمینه ادیان نوشته و منتشر ساخته‌اید در این زمینه خلاصه‌ای از موضوعات و کتاب‌هایی را در جامعه احساس می‌کنید؟

آثاری که دانشمندان شیعی تألیف کرده‌اند از «اختیار» سخن می‌گویند اما در برخی از آثار مذاهب دیگر سخن از «جبر» است. بنده معتقدم می‌توان از دانشمندان، شاعران و نویسندگانی که به اختیار معتقدند برای نقد سالم و منصفانه استفاده کرد. البته این نقد باید با احترام و کاملاً علمی باشد. در بحث‌های علمی و نقد ادبی با ادیان دیگر هرگز نباید با خشونت سخن بگوییم، به دلیل این‌که نقد سالم همیشه سازنده و باعث پیشرفت و رشد می‌شود. زیرا اگر سخنان و احادیث جبرگرایان را که اندیشه‌ای ضدعقل است گروهی از انسان‌ها بپذیرند و قبول کنند که انسان در آنچه انجام می‌دهد هیچ اختیاری از خود ندارد، درواقع از پذیرش عدل خداوندی دور شده‌اند. چون اگر همه انسان‌ها اعم از خطاکار یا درستکار در انجام عمل مجبور باشند پس عادلانه نیست که خدا عده‌ای را کیفر و عده‌ای را پاداش دهد.

خواننده برای اعمال خود انگیزه پیدا کند یا انگیزه‌هایش را از دست بدهد. این مباحث تعالی و پیشرفت اندیشه دانش‌آموزان را به دنبال دارد.

موضوع جبر و اختیار برای نوجوانان سنگین نیست؟ شما این موضوع را از چه زاویه‌ای مطرح کردید تا قابل هضم و یادگیری باشد؟

همان‌طور که می‌دانید موضوع جبر و اختیار از مباحث کلامی و فلسفی است که بیشتر در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، اما در این کتاب تلاش کرده‌ام در قالب روایت داستانی به دیدگاه قرآن کریم درباره جبرگرایی و نتایج اجتماعی و تاریخی این اعتقاد بپردازم. اصولاً بیشتر نوجوانان با آیه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ رُشْدٌ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنْفُسِهِمْ لَهَا وَ اللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» آشنایی دارند و بارها ترجمه این آیه را دیده و شنیده‌اند که «اکراه و اجبار در دین نیست، همانا راه درست از گمراهی جدا شده است پس هر کس به طاغوت، کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، تحقیقاً به دستگیری محکمی چنگ زده که آن را گسستن نباشد و خدا شنوا و داناست». قرآن کریم یک ویژگی مهم دارد و آن، این است که هرچه انسان بیشتر به مطالعه دقیق آیات آن می‌پردازد، بیشتر به اختیار انسان پی می‌برد، اما پیروان مکتب جبر می‌گویند که علم پیشین خداوند به اعمال و رفتار انسان، نشانه آن است که انسان اختیاری از خود ندارد. انتخاب اسم کتاب نیز با هدف بوده است، خداوند همیشه برای همه انسان‌ها فرصت انتخاب داده است و نوجوان نیز در این سن فرصت انتخاب و اندیشیدن به مسئله جبر و اختیار را دارد.

در ارتباط با ساختار کلی و شیوه ارائه فصل‌های کتاب توضیحات ضروری و لازم را بفرمایید.

در این کتاب مباحث به صورت پرسش و پاسخ بین معلمان

بنده احساس می‌کنم خلأ کتاب‌هایی با محوریت نقد علمی و منطقی در همهٔ زمینه‌ها به‌خصوص در زمینهٔ موضوعات دینی و قرآنی بسیار احساس می‌شود.

به نظر شما جشنوارهٔ قرآنی چه تأثیری بر روی مؤلفان، شاعران و ناشران در زمینهٔ تولید و تألیف کتاب‌های قرآنی دارد؟

مسئلهٔ این جشنواره در زمینهٔ تولید و تألیف کتاب‌ها با موضوعات قرآنی، دینی و مذهبی بسیار مهم و مؤثر بوده است، زیرا یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت، تلطیف روحیهٔ کودکان و نوجوانان است، در نتیجه داستان‌های مذهبی تأثیر بسیاری در تلطیف روحیهٔ آن‌ها دارد. تلطیف روحیه یعنی این‌که آن‌ها را انسان‌دوست تربیت کنیم. کودکان و نوجوانان دو گروه بسیار مهم و تأثیرگذار جامعه می‌باشند که پرورش فکر آن‌ها بر عهدهٔ نویسندگان، معلمان و آموزش‌وپرورش است.

هرگونه تشویق و تقدیر از کتاب‌های موفق و راه‌یافته به جشنواره، موجب انگیزه برای نویسنده، مؤلف و یا شاعر می‌شود تا مقالات و کتاب‌های بیشتری با موضوعات متنوع ارائه دهد و توجه افراد را جلب نماید. جشنوارهٔ قرآنی مخصوصاً در شرایط فعلی که آگاه کردن نسل جوان و نوجوان امری مهم و حیاتی است باید از هر وسیله‌ای برای ایجاد علاقه و انگیزه در نسل کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال به آیات الهی و آسمانی استفاده کند.

استاد حکیمی، در ایران شما را بیشتر به‌عنوان نویسندهٔ داستان‌های مذهبی ویژهٔ نوجوانان و جوانان می‌شناسند، این به چه دلیل است؟

من در یک خانوادهٔ مذهبی متولد شدم. مرحوم پدرم عشقی عمیق به اهل بیت(ع) داشت و مرا از سه، چهارسالگی به هیئت‌های مذهبی می‌برد. پنج ساله بودم که به مدرسهٔ آمادگی برهان رفتم. این مدرسه یک جو خاص مذهبی داشت. در سال پنجم دبستان معلم انشایی داشتیم به

نام آقای غروی، وقتی چند انشای خود را سر کلاس خواندم به من گفتند مطمئن باش نویسنده خواهی شد. درواقع از سال ۱۳۳۵ فعالیت مطبوعاتی من شروع شد، بعد از گرفتن دیپلم در برخی مجله‌ها نظیر کیهان بچه‌ها، ... داستان و مقاله برای کودکان و نوجوانان می‌نوشتم و به خواندن مجلهٔ «مکتب اسلام» علاقه زیادی داشتم. از سال ۱۳۴۷ به جمع نویسندگان «مکتب اسلام»، «نسل نو» و «نسل جوان» و «پیام شادی» که در حوزهٔ علمیه قم منتشر می‌شدند پیوستم. همکاری من با مجلهٔ «درس‌هایی از مکتب اسلام» همچنان ادامه دارد.

برای آنکه موضوعات قرآنی و دینی جذابیت بیشتری برای کودکان و نوجوانان داشته باشد چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

یکی از راهکارها همان‌طور که اشاره کردم مطرح کردن مسائل و مطالب دینی، مذهبی در قالب قصه و داستان با زبانی ساده و روان است که کودک و نوجوان را مشتاق و تهیج به مطالعه کند. راهکار دیگر استفاده از تصاویر و نقاشی‌های جالب و گیرا و به دور از اغراق و ابهام در کتاب‌های داستانی است. همچنین در کتاب‌هایی که ترجمه است باید ترجمه روان و سلیس باشد تا کودکان و نوجوانان درک بهتری داشته باشند و ارتباط مؤثرتری برقرار کنند.

مشهورترین اثری که در زمینهٔ تاریخ برای نوجوانان و جوانان منتشر ساخته‌اید چه نام دارد؟

مجموعهٔ ۲۲ جلدی «تاریخ تمدن» ویژه نوجوانان مشهورترین اثر من است. این مجموعه را «شرکت سهامی انتشار» منتشر کرده است.

آیا صحبت پایانی با خوانندگان این ویژه‌نامه دارید؟

در پایان این را ذکر می‌کنم که بسیاری از همکاران و دوستان بارها از من پرسیده‌اند که شما با وجود تدریس در مراکز مختلف چگونه توانسته‌اید آثار بسیاری هم در رشته‌های مختلف تألیف و یا ترجمه کنید که راستش من پیوسته از خداوند یکتا و رسول اکرم(ص) خواسته‌ام که مرا در تألیف آثار مفید یاری دهند و در اینجا لازم می‌دانم بگویم که همسرم فاطمه خانم نیز پیوسته مرا برای نگاشتن کتاب‌های تازه تشویق می‌کند. ضمناً باید بگویم عزیزی را که با نقد آثارم موجب بهتر شدن کتاب‌ها و یا مقاله‌هایم شده‌اند بسیار دوست دارم.

از شما به خاطر حضور در این گفت‌وگو سپاس‌گزاریم ■

